

اصفهان - چهلستون

اصفهان را نیمه خوانند از جهان
صد جهان من دیده ام در اصفهان

یکی از خوشنامترین و محبوبترین سلسله‌های ایران بعد از اسلام که از هر حیث نسبت بادوار قبل و بعد خود امتیاز دارد سلسله عظیم‌الشان صفوی است طلوع این دولت در ابتدای قرن ۱۰ هجری مقارن است با شروع نهضت‌های علمی و مذهبی (رنسانس و رفوم) و استیلای شدید ترکان عثمانی بر آسیای صغیر و انقراض حکومت هزار ساله امپراطوری روم شرق در اروپا.

چون خلفای عثمانی بعد از انقراض دولت بیزانس از یکطرف ابواب تجاری آسیا را از جانب شرق بروی اروپائیان بستند و از طرفی دیگر بمالک اروپا شروع بدست‌درازی کردند لذا اروپائیان رابه کشف راههای جدید و وصول بمالک بر ثروت آسیا از طریق مغرب و پیدا کردن متحدی در برابر تهاجمات عثمانیان بر انگیزت ، در نتیجه بنای اروپائیان از یکطرف بکشورهای آنطرف اقیانوس اطلس رسید و از طرفی دیگر از سمت جنوب افریقا با آسیا باز شد از این تاریخ رسماً دولت ایران با

ممالک اروپا مربوط شد و بجهت کثرت آمد و شد قوافل تجار تی و نمایندگان سیاسی و نظامی پاره ای از مکارم فرهنگ و تمدن آن قطعه که در حال ترقی و تکامل بود باین کشور که سابقه ممتد در تکمیل علم و حکمت و معرفت عمومی عالم داشت منتقل گردید . مختصراً شاه عباس بزرگ که نخستین پادشاه مدبر و لایق ایران اسلامی و بزرگترین سلطان این سلسله است از ارتباط ملل اروپائی و افتتاح مناسبات سیاسی بادول غرب در آبادی کشور و ترمیم خرابیهای عصر مغول و تیمور و توسعه تجارت و اصلاح امور نظامی و بسط فنون لشگری استفاده شایان برد و از فکر بدیع و نظر بلند و وسیع هنرمندان عصر رنسانس اروپا در زیبایی پابخت جدید خود اصفهان استفاده‌ها کرد . بهمین جهت اگر در آثار معماری عصر صفویه دقت شود هم آثار هنری فکری و ذوقی عصر تیموریان ظاهر است و هم آثار هنری دوره رنسانس اروپا .

شاه عباس در سال ۱۰۰۶ هجری پابخت دولت صفوی را از بلده قزوین بشهر اصفهان انتقال داد ، این شهر که از عهد سلجوقیان خصوصاً بعد از خرابیهای مغول و قتل و عامهای جانسوز تیمور طریق انحطاط پیموده و از اعتبار و رونق سابق افتاده بود مجدداً بر اثر توجهات شاهانه روی به آبادی نهاد ، خود شاه شخصاً در جلال و جمال پابخت خود باعلی درجه کوشید از هر سو هنرمندان و صاحبان ذوق و فکر و قلم را در این شهر گرد آورد ، اصفهان را مرکز فنون و علوم نمود که قلم سحر آسای آنان در نقاشیها و مجالس و خطوط و تصاویر و تذهیب کاریهای بی بدیل این عصر چون چشمه فیاض خورشید نور افشانی می کند .

شاه عباس در ۱۰۱۱ چهار بازار و میدان نقش جهان را پی افکند و در ۱۰۱۹ به بنای مسجد شاه دستور داد و برای اقامت خود و اداره کشور و پذیرفتن سفراء و نمایندگان سیاسی خارجی عمارات چهل ستون و عالی قابو و هشت

بهشت را بنا فرمود .

طبیعی بود که برای اداره کشور با عظمت شاه عباس پایتختی چون اصفهان لازم مینمود که مقدرات ملل و ممالک در عمارات پر نقش و نگار آن تعیین شود .

اگر چه عمارات و قصور سلطنتی اصفهان اکنون بیاد ایام گذشته آه میکشند و بشکوه و جلال دیرینه سرشک خونابه میریزند اما کیست که مسجد شیخ لطف اینه و مسجد شاد و کلیسای جلفا و عمارات چهل ستون و عالی قابو و هشت بهشت را به بیند بر عظمت روح و فکر و قدرت قلم و نقاشی و هنر و ذوق ملت ایران آفرین نگوید .

بیان آنهمه آثار تاریخی اصفهان در این وجیزه میسر نیست کتابهای مبسوط و مشروحی لازم است که عظمت این قبیل آثار تاریخی جاویدان را بخوانندگان نشان دهد فقط در این جا اجمالا شمه‌ای از عمارت چهل ستون که موضوع بحث ما در این مقاله است ذیلا می نگارد.

عمارت چهلستون از آثار باقیه شاه عباس بزرگ است که در وسط باغ دلکشی موسوم به باغ نقش جهان بنا شده . ظاهرا باغ نقش جهان از آثار شاه اسمعیل اول است . این باغ بشکل مربع مستطیل از مغرب به مشرق کشیده شده از طرف شمال با نرده‌های چوبی ظریفی بخیبان مشرف و از طرف مغرب بخیبان دروازه دولت متصل است . سر در اصلی باغ در خیبان شمالی است که اگر از این در وارد باغ شویم بقصر زیبا و بی نظیری هدایت خواهیم شد که بعمارت چهل ستون معروف است .

تاریخ بنای چهل ستون محققا معلوم نیست ظاهرا شاه عباس آن را در اواخر سلطنت خود بین سنوات ۱۰۲۶ و ۱۰۳۶ بنا فرموده است و اکثر نقاشیها و تصاویر آن یادگار قلم توانای مولانا مظفر علی نقاش شهیر عصر صفوی است

و اسکندر بیک هم در تاریخ عالم آرا این مسئله را تسائید کرده مینویسد
 « تصویر دولتخانه همایون و مجلس ایوان چهل ستون طراحی مشارالیه (مولانا
 مظفر علی) و اکثر نگاشته ارقام زرین فام اوست .

بنای ساختمان چهل ستون بر روی صفاه ایست که تقریبا ۷۵ سانتیمتر
 از اراضی مجاورش بلندتر است و در جلو آن یعنی رو بمشرق ایوان بزرگی
 است بطول ۳۷ و بعرض ۱۹ متر که در آن ۲۰ عدد ستون از چوب کاج که
 بشکل کثیرالاضلاع و مسدور بارتفاع ۳۰ قدم ساخته شده قرار داده اند
 که در دوره آبادی زرین و بانقوش و آئینه های کوچک آرایش یافته بود.
 فاصله ستونهای طرفین کمتر و وسطی ها بیشتر است ، سقف ایوان آراسته با
 نقوش و آئینه های کوچک رنگارنگ است که در نهایت استادی و عظمت بدست
 هنرمندترین مهندسین و نقاشان ساخته و پرداخته شده که قطر و دوام چوبها و
 سقف بندی آن حقا مایه اعجاب است

مسلمها انتخاب چوب کاج بجهت استحکام آن بوده که در اعصار بعد از
 تعرض آفات مصون ماند . کف ایوان از آجر مفروش و در وسط آن حوضی
 بنا شده که پای شویپای آن از سنگ مرمرودر گوشه آن چهار زیرستون
 سنگی که بشکل شیر بالداری تراشیده اند قرار دارد هر ستون ۴ کله شیر دارد
 که دو زاویه مقابل آن شیر تمامی و دو زاویه مقابل دیگر دوشیر سرپا
 نشسته هستند.

این شیرها بطور مخصوص حجاری شده که دوشیر بایک سر نشان داده
 میشود . تاریخ حجاری این شیرها محققا معلوم نیست بعضی بدوره هخامنشیان
 و عده ای بعهد اشکانیان و جمعی بعهد ساسانیان و زمان خسرو پرویز و
 جمعی بدوره صفویه نسبت میدهند ولی احتمال قوی میرود که از دوره
 ساسانیان باقی مانده باشد . حوض مزبور در میان این ۴ ستون که دارای

پایه های منقش از شیر هستند قرار داشته که در روزگار آبادی از این شیرها آب جستن مینموده است. شاردن آن را چنین وصف میکند که در وسط تالار سه حوض مرمر و سفید است که هر يك داخل دیگری قرار دارد کوچکتر از همه مربع شکل بقطر ۱۰ قدم و بقیه بشکل هشت گوش در وسط آن قرار دارند. در جانب غربی این ایوان متصل بآن ایوان کوچک دیگریست که دو ستون شبیه بستونهای فوق دارد که سقف آن نیز با آئینه کاری و حواشی با خاتمکاری و آئینه های کوچک مزین است از راههای ایوان با مرمر و گل و بوته منقش است. در دو طرف ایوان دو اطاق قرار دارد که سابقا با تابلوهای نقاشی نفیسی و ازاره های رنگ آمیزی شده آراسته شده بود که حالیه اغلب آنها از بین رفته است، هر يك از این اطاقها سه طرف دارند. ایوان مزبور دارای شاه نشینی است که سقف بلند و منهدب و حاشیه های نفیس و تابلوهای کوچک زیبای آن که خوشبختانه سه تایی آنها در طاقچه های درهای طرفین سالم مانده مورد توجه است. سه در بزرگ که وسطی وسیعتر است شخصی را از این شاه نشین بتالار بزرگی که طول آن ۲۱ متر و عرض آن ۱۱ متر و دارای سه گنبد است هدایت می کند. شاردن سابق الذکر ازاره های تالار چهل ستون را از مرمر سفید منقش و طلائی نوشته و پنجره های آنرا از بلور الوان ثبت کرده است، متأسفانه در دوره های بعد چنین گوهر گرانبها چنان دستخوش آسیب و جهالت مردم و حکام غرض ورز قرار گرفته که اکنون هیچ اثری از آنها باقی نمانده است

گنبد وسطی تالار چهارمستون بازمینه سیاه نقاشی شده و از طرفین با آبی سیر و گل و بوته های زرین زینت یافته است. دور ادور تالار بفاصله یکمتر از کف اطاق با گچ مزین شده و کمی بالاتر از آن ۲۴ صورت مختلف ممتاز که در حال عیش و نوش و سرور نشاطند روی گچ با رنگ و روغن طراحی

شده و بالاتر از آن صورتها شش مجلس بزرگ به طول ۵ وعرض ۳ تا ۴ متر نقاشی که سه مجلس در طرف مغرب و سه مجلس دیگر در سمت مشرق تالار که بزیر هلال طاقها منتهی میشود قرار گرفته است - مجالس مزبور عبارتند از :

۱ - مجلس بزم شاه عباس اول و پذیرائی او از خان ازبک

۲ - جنک شاه اسمعیل اول در دشت چالدران بانزکان عثمانی

۳ - مجلس پذیرائی شاه طهماسب اول از همایون شاه هندی

۴ - مجلسی از شاه عباس دوم (۱۰۵۲-۱۰۷۷)

۵ - جنک شاه عباس بزرگ با ازبکان

۶ - نادرشاه افشار در جنک کرنال هندوستان

قسمتی از این نقاشیها متعلق بدوره صفویه و قسمتی نیز مسلماً مربوط بدوره‌های بعد است حتی پرده‌ای از کریمخان زند و در قسمت انتهائی یکی از پایه‌های گنبد وسطی صورتی از ناصرالدین شاه (۱۲۶۴ - ۱۳۱۳) کشیده شده است.

در همین تالار چهار بخاری موجود است که سابقاً بصورت بسیار زیبائی رنگ آمیزی شده بود که حالیه از بین رفته است ،

عمارت چهلستون محل انجام مراسم تشریفات و بارشاهی بوده و تخت مرصع سلاطین صفویه در همین تالار قرار داشته است .

در طرفین شمالی و جنوبی تالار دو ایوان کوچکتر است که هر یک ۴ ستون چوبی و سقف چوبی دارد . طاقچه‌ها و بدنه‌های آنها از نقاشیهای بسیار ممتاز و عالی مستور و منقوش است . چندین صورت اراروپائیان در اینجا دیده میشود که با لباس‌های قرن ۱۷ میلادی ترسیم شده و ظاهراً صورت سفرائی است که بدربار ایران در این تاریخ رفت و آمد داشته‌اند .

معروف است که نقاشیهای مزبور کار هلندیهاست ، محمد بیگ فرصت اصفهانی شاعر معاصر شاه عباس دوم نیز در قصیده غرائی که در وصف چهل-ستون سروده باین نکته اشاره می کند آنجا که میگوید :

عکس آئینه اش بجلوه گری می کنند دیو را بشکل پری
در ودیوار گشته رنگارنگ همه تصویرهای کار فرنگ

دورادور عمارت چهلستون را جوی سنگی احاطه کرده بود که در قدیم فواره‌هایی بفواصل معین داشته که اکنون آثار مختصری از آن باقی مانده است ، در مقابل عمارت چهلستون استخر بزرگی بشکل مربع مستطیل از مشرق بمغرب قرار دارد که عکس عمارت و ستونها در آن منعکس است بعضی‌ها وجه تسمیه چهلستون را بهمین جهت میدانند ولی عده‌ای از محققین معتقدند که چهلستون پنج ردیف هشت ستونی داشته که در شب ۲۱ رمضان سال ۱۱۱۸ در عهد سلطنت شاه سلطانحسین (۱۱۰۶ - ۱۱۳۵) قسمتی از عمارت و ستونها طعمه حریق گشته ۱۸ ستون بطور سه ردیف شش ستونی باقیمانده است

شاعری تاریخ حریق چهلستون را چنین گفته است

هزارویکصد و هیجده ز هجرت نبوی گذشته بود که آتش بچهلستون افتاد

شاه سلطان حسین در آغاز پادشاهی بتعمیر و ترمیم آن فرمان داد ولی عمارت مزبور در دوره قاجاریه بر اثر بی‌مبالائی و عدم علاقه و کمایت بعضی از مامورین دولت روبرائی نهاد حتی روی بعضی از تصاویر و نقاشیها و نقش و نگارهای این خجسته بنا که در نوع خود بی نظیر و معرف درجه تمدن و ایباقت مردم ایران عصر صفوی است با گچ مستور کرده اند ، شاید عارف قزوینی قطعه زیر را از روی تاثرات ملی در اینمورد ساخته است ،

خرابی که بدل کرد وانی حسنت باصفهان نتوان گفت ظل سلطان کرد
 چو جغد بر سرویرانه‌های شاه عباس نشست عارف ولعنت بگور خاقان کرد
 خوشبختانه در بیست سال اخیر خصوصاً در عهد سلطنت اعلیحضرت رضا
 شاه فقید با تاسیس اداره کل باستان شناسی و توجه شدید بحفظ مآثر پیشینیان
 و احیای آثار ملی و تاریخی کشور تعمیرات کلی در عمارت و باغ چهلستون
 بعمل آورده و از انهدام و ویرانی آن جلوگیری کردند.

